

سؤالات	نوع	نمره
جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه‌های چه گروهی بود؟ اعتقاد آنها را بنویسید؟	۱	۲
«سقراط دانایی را در اقرار به نادانی می‌دانست» سخنان او را در این زمینه بنویسید؟	۲	۲
فیلسوف واقعی کسب حقیقت را بر هر چیزی ترجیح می‌دهد و زندگی را بر پایه‌های آن استوار می‌سازد یکی از آثار این شیوهی زندگی ، دوری از مغالطه ها ست، آن را توضیح دهید؟	۳	۲/۵
استقلال در اندیشه به عنوان یکی از آثار زندگی بر پایه‌ی فلسفی را توضیح دهید؟	۴	۲/۵

۲	در مبحث رهایی از عادات غیر منطقی برای کشف حقیقت باید چه کار کنید؟	۵
۱/۵	<p>جاهای خالی زیر را با کلمات و عبارات مناسب کامل کنید.</p> <p>الف) به نظر تالس اولین چیز و بنیان سایر چیزهاست.</p> <p>ب) هراکلیتس معتقد است عنصر اولیه‌ای که سازنده‌ی عناصر است است.</p> <p>ج) فیثاغورس می‌گوید اساس همه‌ی اشیا است.</p>	۶
۲	پنجمین فیلسوف از فیلسوفان اولیه که بود؟ درباره‌ی نظرات او بنویسید؟	۷
۲	<p>صحيح و غلط بودن جملات زیر را مشخص کنید؟</p> <p>الف) گزنوفانس می‌گوید فقط یک خدا است، بزرگ‌ترین خدا در میان خدایان و آدمیان، که نه در صورت شبیه مخلوقات فانی است و نه در فکر و اندیشه.</p> <p>ب) می‌توان برای دانش فلسفه، از نظر زمانی آغازی تعیین کرد.</p> <p>ج) یکی از ویژگی‌های فلسفه استفاده از روش عقلی و استدلال نیست.</p> <p>د) به شاخه‌های فلسفه، فلسفهٔ مضاف می‌گویند.</p>	۸
۲	از نگاه افلاطون عالم مثل به چه معناست؟	۹
۱/۵	فلسفه اولی چیست؟	۱۰
صفحه ی ۲ از ۲		

ردیف	راهنمای تصحیح محل مهر یا امضاء مدیر
۱	<p>جامعه‌ی آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه‌های سوفسطائیان بود. آنان معتقد بودند که جهان را نمی‌توان شناخت و آنچه را که ما علم و دانش می‌نامیم، تنها ساخته و پرداخته‌ی ذهن ماست و تطابقی با واقعیت‌ها ندارد. آنان با کمک اقسام مغالطه‌ها و جدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می‌پرداختند و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می‌گذاشتند.</p>
۲	<p>سقراط گفت: کاوش و جست و جوی من برای شناخت کسانی است که ادعای دانشمند بودن می‌کنند و جدا کردن آن‌ها از کسانی که دانشمند حقیقی هستند سبب شده که گروه بزرگی به غلط مرا «دانا» بنامند در حالی که من دانا نیستم فقط شاید به این دلیل که هر بار نادانی کسی را آشکار می‌کنم حاضران مجلس گمان می‌کنند که آنچه را آنها نمی‌دانند من می‌دانم. حال آن که دانای حقیقی فقط خداست. راز سرش معبد دلفی که در الهامی به دوستم کرفون گفته بود داناترین مردم سقراط است همین بود که به ما بنمایاند تا چه پایه نادانیم. البته خیال می‌کم نام مرا به عنوان مثال طرح کرد تا بگوید داناترین شما آدمیان کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی‌داند.</p>
۳	<p>یکی از فواید آموختن منطق توانایی تشخیص مغالطه‌ها و خارج کردن آن‌ها از باورهاست. فلسفه از این توانایی منطقی کمک می‌گیرد تا اندیشه‌های فلسفی درست را از نظرات غلط تشخیص دهد و راه رسیدن به اعتقادات درست را هموار سازد.</p> <p>فیلسوفان می‌کوشند با کاهش مغالطه‌ها به فهم درستی از حقایق چه در عالم هستی و چه در مسائل بنیادی زندگی ارائه دهند و آن را با گفتار مناسبی که خالی از مغالطه باشد بیان کنند. همچنین می‌کوشند نمونه‌هایی از مغالطه‌های فلسفی را جهت عبرت گرفتن دیگران تشریح کنند.</p>
۴	<p>فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی‌پذیرد و عقیده‌اش را بر پایه‌ی توهم و تخیل بنا نمی‌کند. او درباره‌ی استدلال‌ها می‌اندیشد و اگر به درستی شان پی ببرد، آنها را می‌پذیرد. می‌دانیم که همه‌ی مردم در مسائل بنیادین فلسفی می‌اندیشند و نظر می‌دهند. فرق فیلسوف و با دیگران در این است که اولاً فیلسوف درباره‌ی همین مسائل به نحو جدی فکر می‌کند ثانیاً با روش درست وارد این قبیل مسائل می‌شود و پاسخ می‌دهد. فیلسوف کسی است که باورهایی منظم و پیوسته دارد و می‌تواند برای آن‌ها استدلال ارائه کند.</p>

۵	<p>برای کشف حقیقت ابتدا باید زنجیر عادت‌های نابخردانه و تعصب‌های بیجا را با کمک عقل و خرد پاره کرد و فکر را در تأثیرپذیری از آن‌ها رهایی بخشید. آنگاه رها از این زنجیرها اندیشید و به تدریج زندگی را بر زیر بنای محکمی استوار کرد. سپس می‌توان فارغ از این قید و بندها با پشتوانه‌ی خرد و فهم عقلانی اندیشید.</p>
۶	<p>الف) آب (ب) آتش (ج) شکل‌های هندسی</p>
۷	<p>پارمنیدس آخرین (پنجمین) فیلسوف از میان فیلسوفان اولیه است. او فلسفه‌ی خود را به صورت شعر عرضه کرده است و با بیانی شاعرانه به توصیف عقاید فلسفی خود پرداخته است. او برای نخستین بار به مفهوم بودن (وجود) و شدن (حرکت) که از مفاهیم اساسی فلسفه هستند به صورت روشنی دست یافته و درباره‌ی آن‌ها بحث کرده است. از نظر وی هستی و وجود حقیقی ثابت دارد نه در حال حرکت و شدن.</p>
۸	<p>الف) صحیح (ب) غلط (ج) غلط (د) صحیح</p>
۹	<p>افلاطون در نگاه خود به هستی اعتقاد دارد که علاوه بر عالم طبیعت عالم برتری به نام عالم مثل هست که این عالم طبیعت برگرفته از آن عالم است به نظر او نسبت عالم طبیعت به آن عالم مانند نسبت سایه به صاحب سایه است یعنی حقیقت اصلی و برتر آن عالم است نه این عالم و برترین وجود هم مثال خیراست نه نه انسان. هدف حقیقی انسان رسیدن به عالم مثل و خیر مطلق است نه ماندن در عالم طبیعت که عالم سایه‌هاست.</p>
۱۰	<p>فلسفه اولی آن بخش از فلسفه است که درباره مسئله‌های مربوط به وجود تحقیق میکند. احکام و قواعدی را به دست می‌آورد که مربوط به خود هستی و وجود است، نه یک وجود خاص. فیلسوفان می‌کوشند قوانین حاکم بر کل هستی را به دست بیاورند.</p>